

Mutual Empowerment of the Oppressed: A Promising Future for International Relations

Seyed Hossein Sajed ¹

Faculty member, Al-Mustafa International University

Received: 2023/07/08 | Accepted: 2023/08/04

Abstract

International relations have consistently represented both a stage of challenges, conflicts, and power struggles among the powerful and the less capable or similarly powerful parties, as well as a platform for cooperation and solidarity between certain states or nations. At times, both parties in a conflict have been unjust, while at other times, one has been just and the other unjust, and occasionally, each has been just in some respects and unjust in others. Scholars have recognized that the primary concern of Islam and its leaders is the happiness, welfare, comfort, peace, and both spiritual and material advancement of their followers, regardless of their own gains. While it is clear that ultimately justice prevails and injustice is subdued, the question remains whether we will continue to witness the dominance of a few Western powers over the entire world in the near future, or whether we will see the decline of these powers and the rise of oppressed nations. This article hypothesizes the latter scenario and employs a descriptive-analytical research methodology.

Key words: International Relations, The Oppressed, Hegemonic System, Resistance, Self-Sacrifice.



هم افزائی مستضعفان، آینده امید بخش روابط بین الملل

سید حسین ساجد^۱

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳

چکیده

روابط بین الملل همواره از یک سو صحنه چالش ها و درگیری ها و زور آزمائی های اصحاب زر و زور و تزویر با طرف های کم بهره از توان مقابله با آن ها یا قدرت های هم عرض آنها و از سوی دیگر همکاری و همدلی بین برخی دولت ها یا ملت ها بوده است. در مواردی طرفین درگیری هر دو باطل بوده اند و گاه یکی برحق و دیگری باطل بوده است و زمانی هر یک از جهاتی ذیحق و از جهاتی باطل بوده است. هر چند روشن است که در نهایت حق پیروز می شود و باطل سرکوب، ولی در آینده نه چندان دور آیا ما همچنان شاهد سلطه زورمدارانه چند کشور غربی بر سراسر عالم خواهیم بود یا زوال این قدرت ها و برآمدن ملل مستضعف؟ فرضیه این مقاله وجه اخیر است. روش تحقیق مقاله توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی

روابط بین الملل، مستضعفان، نظام سلطه، مقاومت، ایثار.

مقدمه

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تقسیم شدن عالم به دو قطب سلطه گر و سلطه پذیر و افزایش روز افزون توان قطب سلطه گر، هیچ روزنه امیدی برای پیروزی واقعی و قاطع بر نظام سلطه وجود نداشت، چون حتی اگر در جایی هم نهضتی پیروز می شد یا خود تبدیل به یک سلطه گر دیگر می شد نظیر آن چه در روسیه تزاری رخ داد یا به ظاهر استقلال بود و در عمل ادامه همان وابستگی سابق به شکلی کاملاً رسمی. یعنی یک یا چند شخص عوض می شدند ولی ساختار وابسته همچنان باقی بود و یا از سلطه غرب رها می شد و تحت سلطه شرق قرار می گرفت و برعکس. ولی با ظهور انقلاب اسلامی و نفی شدن توأمان شرق و غرب و مطرح شدن حاکمیت الله و دغدغه شدن صرف مصالح ملت ها و سعادت دنیوی و اخروی ایشان، نظام بین الملل و سیاست بین الملل نیز مواجه با یک چالش بسیار عظیم گریز ناپذیر شد. یعنی در پی رویداد بیداری اسلامی و انسانی، ملت های مسلمان و مستضعف در سراسر عالم، با بدیلی امید بخش مواجه شدند که با پیروزی خود بر شرق و غرب، توان نظری و عملی ایدئولوژی انقلابی خود را به اثبات رسانده بود. ملت ها دریافتند که دیگر نه پان عربیسم راه حل است نه پان ترکیسم، نه ناسیونالیسم نه الهیات رهائی بخش. بلکه تنها و تنها اسلام انقلابی و معارض اسلام آمریکائی، گزینه قابل اعتماد و سرمایه گذاری است. چون هم راهش خالصانه الهی است هم رهبرش حکیم و عارف و سترگ و بی نهایت شجاع. مبارزان عالم دریافتند که تمام دغدغه اسلام و رهبران آن خوشبختی، رفاه، آسایش، آرامش و پیشرفت معنوی و مادی آن هاست، بی کوچک ترین چشمداشتی به ذخائر آن ها. سپس به رغم فعالیت شبانه روزی تمام رسانه ها و مراکز علمی و اندیشکده های غرب برای مشوه نمودن چهره انقلاب، به تدریج مبارزان عالم دریافتند که می توان به این ایدئولوژی

و رهبران آن دل بست و به ایشان اقتدا نمود.

یکی از پیامدهای بارز و درخشان این اقتدا، حماسه آفرینی امروز رزمندگان اسلام در غزه است که در طی حدود شش ماه گذشته کل ناتو و تمام کشورهای زیرمجموعه آن (به صورت عضو یا غیر عضو)، به زانو در آورده است و به رغم برخورداری آن ها از ده ها هزار اندیشکده و زرادخانه های عظیم نظامی، در برابر تعدادی اندک رزمنده حماس شکست خورده اند و هرگز و به هیچ روی هم نمی توانند این شکست را جبران نمایند و در نهایت هم ناگزیر می شوند با خفت و خواری تمام از غزه خارج شوند. نمونه دیگر حمله پیشگیرانه روسیه به ناتو (نه اوکراین)، در زمین جنگ اوکراین و شکست ذلت بار و قطعی ناتو است. این در حالی است که نقاب های فریبنده و دروغین دفاع از حقوق بشر، دموکراسی، آزادی، ... یکی یکی از چهره غرب فرو می افتد و مردم عالم چهره کریه غرب را به وضوح می بینند. رویدادهای غزه به سلطه ستیزان در سراسر عالم پیام می دهد که شما هم با پیروی از راه ما می توانید بر تمام دیکتاتورهای وابسته به غرب پیروز بشوید و از این پس خود سرنوشت خویش را رقم بزنید.

مخاطب پیام انقلاب اسلامی، تمام مستضعفان عالم

در این راستا رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) به عنوان بهترین معرف انقلاب در عصر حاضر می فرماید: آن هنگام که از مبارزه و مقابله با استکبار جهانی و قلدرها و غارتگرهای جهان حرف می زنیم، مخاطب ما تمام مستضعفان عالمند. این، طبیعت پیام ماست؛ استکبار جهانی هم این مطلب را می داند. دشمنی او با ما و امام (ره) و انقلاب اسلامی نیز به خاطر همین نکته است. (خامنه ای، بیانات، ۱۳۶۸)

نیز می فرماید: این انقلاب، چون با نام خداست، همیشه با شیطان ها مواجه است. چون معتقد به طرفداری از مستضعفان و مظلومان است، همیشه با قلدران و زورگویان و مستکبران، دست به گریبان است. (خامنه ای، بیانات، ۱۳۶۹)

نیز انقلاب مرکز امید همه مستضعفان عالم است، در همین راستا مقام معظم



رهبری با استشهاد به سه آیه قرآن می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)؛ «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَنُكْرَهُ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)؛ یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملت‌ها در مقابل قدرت های زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹)

مؤلفه های انقلاب اسلامی

یکی از مؤلفه های انقلاب اسلامی محرومیت زدائی از عالم به عنوان وظیفه ای همگانی است. امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب می فرماید: در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدف های طراز اول است و پای‌بندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی معنی و ادعایی پوچ است. (خامنه ای، بیانات، ۱۳۶۹)

نیز معظم له می فرماید: در دعای روزهای ماه رمضان می گوئیم: «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ، اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَرْيَانٍ». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است. (خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۱)

نیز امام خامنه ای در همین راستا می فرماید: امام [قدس سره الشریف] صریحاً در جبهه مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که امام در مقابله میان قلدران و مستکبران و قدرت های

زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی تقیّه این را بیان می کرد. طرف دار جدّیّ مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سرِ آشتی نداشت. واژه «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار می برد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت. در مقابل از اوّل انقلاب کسانی بودند که توجّه نمی کردند که آمریکا عقبه تغذیه کننده رژیم طاغوتی است که به وسیله ملّت ایران برافتاد. ملّت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند، اما کسانی بودند آن روز که با حضور آمریکایی ها، با فعالیت آن ها - حتی فعالیت برخی از نهادهای آمریکایی - در داخل کشور موافق بودند! اختلاف عمده دولت موقت با امام بزرگوار سر این قضیه بود؛ ما از نزدیک می دیدیم. آن ها توجّه نمی کردند که آمریکا تغذیه کننده رژیم طاغوت بود؛ این رژیم حالا برافتاده است اما آن دستگاه تغذیه کننده هنوز باقی است، فعال است، اگر به او میدان داده شود، مجال داده شود، دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جستجو خواهد کرد و از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد؛ این را توجّه نمی کردند. امام این را می دید، لذا موضع گیری امام در زمینه مسأله لانه جاسوسی ناشی از همین نگاه و همین دیدگاه بود. در دنیا کسانی به این نقطه توجّه نکردند و ضربه اش را خوردند که حالا نمی خواهیم کسانی را شماتت و ملامت کنیم؛ اما این ضربه ای است که بعضی خوردند، به خاطر این که رژیم های مرتجع و مستکبر را ساقط کردند، [ولی] عقبه آن ها را نادیده گرفتند. امام این عقبه را از روز اوّل دید، با آن مقابله کرد؛ لذا تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه

سیاسی و امنیتی آمریکا موضع داشت. (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)

(content?id=29914)



رهبر معظم انقلاب در مورد محروم یابوری حضرت امام خمینی می فرماید: امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با این که ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - [و] دولت‌ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت، که این موضع قاطع را حتی بعضی از دولت‌هایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند، اما امام بزرگوار بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملت افغانستان حمایت کرد، از ملت لبنان حمایت کرد، فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. این منطق امام است در مورد مقابله با استکبار. با این منطق امروز می شود قضایای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را می شود فهمید. (همان)

مقام معظم رهبری ناظر به وضعیت کنونی عالم می فرماید: امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم - این‌ها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با محاصره غزه که محاصره ظالمانه‌ای است علیه مردم مظلوم غزه مخالفیم، به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سخت‌گیری‌هایی که علیه مردم بحرین به وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این منطق، منطق امام است. هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرف دار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضع‌گیری‌ای است که امام به صراحت انجام می‌داد و این یکی از خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مسأله فلسطین برای ما یک مسأله اصلی است؛ این را همه بدانند. مسأله فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد.

مسأله فلسطین، عرصه یک مجاهدتِ واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مسأله فلسطین جدا نمی‌کند. ممکن است کسانی در صحنه فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آن‌ها جدا است اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تأیید و حمایت ما هستند. (همان)

نیز معظم له می‌فرماید: حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فائق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه فاضله اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ‌نشین، و به کار گرفتن همه عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه‌های ماست. هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره اسلام و بازگشت به ارزش‌های قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸)

حضرت امام خمینی در وصیت نامه بی بدیل خویش در راستای حمایت از مستضعفان عالم می‌فرماید:

یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق نیست، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند. هر چند بعضی کج‌فهمان بی‌اطلاع از نظام حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده‌اند (و باز هم دست برداشته‌اند) که اسلام طرفدار بی‌مرز و حد سرمایه‌داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج‌خویش از اسلام برداشت نموده‌اند چهره نورانی اسلام را پوشانده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند، و آن را نظامی چون رژیم سرمایه‌داری غرب (مثل رژیم آمریکا و انگلستان و دیگر چپاولگران غرب) به حساب آورند، و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندان و یا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام‌شناسان واقعی با اسلام به معارضة



برخاسته‌اند. نیز نظام اسلامی نه رژیم‌های مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک باشد با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تا کنون حتی اشتراک در زن و همجنس بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در برداشته است. بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف است که اگر بحق به آن عمل شود چرخ‌های اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد. در این جا نیز یک دسته با کج فهمی‌ها و بی‌اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعضی آیات یا جملات نهج البلاغه، اسلام را موافق با مکتب‌های انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج البلاغه ننموده و سرخود، به فهم قاصر خود، به پاخاسته و «مذهب اشتراکی» را تعقیب می‌کنند و از کفر و دیکتاتوری و اختناق کوبنده که ارزش‌های انسانی را نادیده گرفته و یک حزب اقلیت با توده‌های انسانی مثل حیوانات عمل می‌کنند، حمایت می‌کنند.

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس‌جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده؛ و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپ‌اولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید، و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید، و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیت‌های سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خود کفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند.

و به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می‌کنم که ثروت‌های عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است.

و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکن‌دار به طور داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمان‌ها باشد. (ر.ک: موسوی خمینی، روح‌الله، وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی، بند س)

نیز حضرت امام خمینی در راستای بسیج ملت‌های تحت ستم عالم می‌فرماید: وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرت‌های بزرگ جهان خوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کرده‌ایم یا تاریخ‌های صحیح برای ما بازگو کرده‌اند که هیچ‌یک از دولت‌حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالا نشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپر نشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند و یا آن که دست‌نشانده‌گان قدرت‌های بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملت‌ها هر چه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیل‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملت‌ها را عقب مانده و مصرفی بار آورده‌اند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند.

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به



پاخیزید و حق را با چنگک و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمل سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و به دفاع از محرومان جهان برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است. (ر.ک: همان، بند ف)

رهبر معظم انقلاب در مورد تکالیف بسیار سنگین و گوناگونی که در راستای استکبار ستیزی بر عهده ماست، می‌فرماید: ما برای مقابله با توطئه‌های استکبار، نسبت به این کشور و این منطقه و همه ملت‌های مستضعف، وظایف و تکالیف بسیاری داریم که باید آن‌ها را انجام بدهیم. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹)



نتیجه گیری

عدالت خواهی، آزادی طلبی، برخوردار شدن از حق تعیین سرنوشت و حاکمیت تمام عیار هر ملتی بر کشور خویش، استقلال فراگیر و همبستگی فرو ملی، ملی و فرا ملی، همبستگی درونی و بین المللی، همزیستی مسالمت آمیز و صلح جهانی، کرامت انسان و عزت ملی، امنیت برای تک تک افراد و واحدهای سیاسی، حقیقت جوئی و حق پوئی، برخورداری از حق توحید و دین مداری، و ده ها مؤلفه نظیر این ها خواسته های فطری، عقلانی و عقلائی و مشترک همه انسان ها و جامعه ها و جزئی از اهداف حد اقلی یا میانی تمام پیامبران بوده است. با این حال جز در برهه آغازین تاریخ بشر (دوران امه واحده) و مقاطعی کوتاه یا قلمرو هائی محدود، همواره مستکبران عالم سدی خونخوار و وحشی در برابر این خواسنه های برحق بوده است. ولی اینک شواهدی بسیار روشن از تحرک تدریجی و اوج گیری آتی مقاومت ها در جهان چند قطبی پدیدار شده است که همگی نوید بخش افول تمدن مادی و فرودین غرب و آینده ای بسیار روشن برای پیروزی مقاومت ها و برآمدن تمدن الهی و فرازین شرق می باشد؛ با استعانت از پروردگار مهربان، به امید آن دوران.



فهرست منابع

۱. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، سخنرانی در مراسم بیعت گروه کثیری از ائمه جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران، ۱۳۶۸/۰۴/۰۴.
۲. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، سخنرانی در دیدار با مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹/۰۴/۰۶.
۳. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان ۱۳۶۹/۰۶/۲۶.
۴. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰.
۵. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵.
۶. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، وبگاه معظم له:
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29914>)
۷. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۰۴/۱۴.
۸. موسوی خمینی، روح‌الله، وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی، دسترسی پذیر در آدرس: (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=39719>).
۹. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، سخنرانی در سالگرد قیام نوزدهم دیماه ۱۳۶۹/۱۰/۱۹.

